



بایسته‌های رسیدگی داوری به منظور حل و فصل عادلانه دعاوی ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی

محمود قمشال^۱

احمد مرادخانی^۲

سید مهدی میرداداشی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰

چکیده

با توجه به نقش بی‌بدیل سرمایه‌گذاری خارجی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی کشورها در دهه‌های اخیر، اهمیت وجود یک نظام حقوقی کارآمد به منظور حمایت از آن، بیش از پیش آشکار می‌گردد. با توجه به احتمال وجود جانبداری در محاکم ملّی به منظور حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی، در بیشتر معاهدات و قراردادهای سرمایه‌گذاری، تمایل به ساز و کار داوری به صورت قابل توجهی به چشم می‌خورد. مطالعه توصیفی - تحلیلی رسیدگی داوری در موضوع فوق‌الاشاره نشان می‌دهد که داوری به تنهایی، کافی برای حل و فصل کارآمد و منصفانه دعاوی ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی نیست و نیازمند بایسته‌های ماهوی و شکلی است. رعایت حداقل استاندارد (در رفتار با بیگانگان) و رعایت اصل تناسب از مهم‌ترین بایسته‌های ماهوی است و پرهیز از رسیدگی موازی و جلوگیری از طرح دعاوی واهی را نیز می‌توان از مهم‌ترین بایسته‌های شکلی برشمرد که رعایت آنها از جانب نهادها و دیوان‌های داوری رسیدگی کننده در سطوح مختلف داخلی و بین‌المللی، سهم بسزایی در منصفانه بودن رسیدگی داوری و در نتیجه کارآمدی نظام حقوقی به منظور حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی خواهد داشت. به نظر می‌رسد علی‌رغم تمایل روزافزون به ساز و کار داوری در معاهدات و قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی، اجماع چشمگیری در ارتباط با الزامات آن در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی شکل نگرفته است.

کلید واژه‌ها

اصل تناسب، دعاوی واهی، رسیدگی موازی، سرمایه‌گذاری خارجی.

^۱ دانشجوی دکتری رشته حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. Ghomshallawyer@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

ah_moradkhani@qom-iau.ac.ir

^۳ استادیار حقوق خصوصیدانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. mirdadashim@yahoo.com

مقدمه

در شرایط نوین اقتصاد جهانی، سرمايه‌گذارى خارجى، نقش بسیار مهمى بازی می‌کند. از دهه ۱۹۷۰ میلادى به بعد، رشد سرمايه‌گذارى خارجى بسیار شدید شده و از رشد تجارت پیشى گرفته است؛ به طوری که بیش از دو برابر رشد تجارت کالاها و خدمات بوده است (غفارى و نیک نژاد، ۱۳۹۱: ۱۴۸). با گسترش حجم سرمايه‌گذارى خارجى، بر اهمیت و نقش نظام حقوقى در راستای حمایت از سرمايه‌گذارى خارجى افزوده شده است؛ به همین دلیل، امروزه کشورهای سرمايه پذیر، تنها به فراهم کردن محیط کسب و کار مناسب اکتفا نمی‌کنند؛ بلکه با در نظر گرفتن مکانیسم‌های متنوع حقوقى، به حمایت از سرمايه‌گذارى خارجى، تضمین سودآورى آن و مصونیت بخشى به اموال، سرمايه و آورده سرمايه‌گذار خارجى می‌پردازند. یکى از مهمترین مکانیسم‌های حقوقى به منظور حمایت بهینه از سرمايه‌گذارى خارجى، پیش‌بینى ساز و کار متناسب داورى به منظور حل و فصل اختلافات ناشى از سرمايه‌گذارى خارجى است. توضیح مطلب اینکه تعیین دستگاه قضایى کشورهای میزبان به عنوان مرجع حل اختلاف و سپردن سرنوشت دعاوى سرمايه‌گذاران خارجى به مرجع مزبور به لحاظ شائبه عدم بی‌طرفى آن، علت اصلی دغدغه و نگرانى بسیاری از سرمايه‌گذاران خارجى است^۱ و انتظار سرمايه‌گذار، دسترسی به یک مرجع بی‌طرف و مستقل در صورت بروز اختلاف ناشى از سرمايه‌گذارى است و روش داورى، در حل اختلافات مزبور، سیستم ترجیحى است^۲ (مجتهدى، ۱۳۹۰: ۱۷۵). با وجود آنچه گفته شد، سیستم

^۱ اتکا بر قوانین کشور سرمايه پذیر به تنهایی، ممکن است سرمايه‌گذاران را با ریسک‌های گوناگون مواجه کند؛ به عنوان مثال، کشور سرمايه‌پذیر می‌تواند به راحتی قوانین خود را تغییر دهد یا متصدیان اعمال قانون و مراجع قضایى در کشور سرمايه پذیر ممکن است در اعمال قانون نسبت به سرمايه‌گذاران خارجى، بی‌طرفانه برخورد نمایند. حقوق بین‌الملل عرفى در حل این مشکلات ناتوان بوده است؛ چرا که اولاً قواعد مورد اتفاقى در این زمینه وجود نداشت و از طرفى حقوق بین‌الملل عرفى، فاقد یک سازوکار مناسب برای حل و فصل اختلافات سرمايه‌گذارى خارجى بود. معاهدات سرمايه‌گذارى که غالباً به صورت دوجانبه بین کشورها منعقد می‌شوند پاسخی هستند برای حل این مشکلات؛ به گونه‌ای که در اثر حمایت‌های موجود در آن، هم سرمايه‌گذار خارجى احساس امنیت بیشتر کند و هم در اثر این آرامش خاطر، کشورهای کمتر توسعه یافته از توان مالى و فناوری کشورهای توسعه یافته بیشتر استفاده کنند (جعفرى ندوشن، ۱۳۹۲: ۴۴).

^۲ در نظام حقوقى ایران، ارجاع امر حل اختلافات ناشى از سرمايه‌گذارى خارجى به موجب اصل ۱۳۹ قانون اساسى، منوط به تصویب مجلس گردیده است. همچنین در قوانین موضوعه نیز به طور مستقیم به داورى در دعاوى مرتبط با سرمايه‌گذارى خارجى، اشاره نگردیده است؛ لیکن چنانچه در قانون موافقتنامه دوجانبه سرمايه‌گذارى با دولت متبوع سرمايه‌گذار خارجى، به داورى به عنوان شیوه‌ای برای حل و فصل اختلافات فی مابین، اشاره گردیده باشد، می‌توان آن را اعمال نمود؛ به عنوان نمونه، مطابق ماده ۱۹ قانون تشویق و حمایت از سرمايه‌گذارى خارجى (۱۳۸۱)، اختلافات بین دولت و سرمايه‌گذاران خارجى - در خصوص سرمايه‌گذارى‌های موضوع این قانون - چنانچه از طریق مذاکره حل و فصل نگردد، در دادگاه‌های داخلى مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، مگر آنکه در قانون موافقتنامه دوجانبه سرمايه‌گذارى با دولت متبوع سرمايه‌گذار خارجى، در مورد شیوه دیگر یاز حل و فصل اختلافات، توافق شده باشد. طبق ماده فوق، برایش حل و فصل اختلافات، ابتدا باید به روش ارائه شده در موافقتنامه دوجانبه سرمايه‌گذارى خارجى مراجعه گردد، در مرحله دوم توسل به مذاکره و در نهایت باید به دادگاه‌های داخلى

رسیدگی داوری نیز در راستای رسیدگی منصفانه و کارآمد به اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی، نیازمند بایسته‌ها و الزاماتی است که در این مقاله با هدف شناخت الزامات و بایسته‌های مزبور، با اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع و داده‌های کتابخانه‌ای به مطالعه آنها خواهیم پرداخت؛ بر این مبنا، پرسش اصلی پژوهش را می‌توان اینگونه مطرح نمود که مهمترین بایسته‌های رسیدگی داوری در حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی چیست؟ اما پیش از پرداختن به اصل مسأله، آشنایی مختصر با مفاهیم کلیدی آن، مفید فایده به نظر می‌رسد.

۱- مفاهیم پژوهش

شناسایی مفاهیم مهم در یک تحقیق در بدو نظر، واجد اهمیت چندانی نباشد؛ اما واقعیت این است که بدون درک درست از مفاهیم پژوهش و رها نمودن آنها از ابهام، ورود در مباحث ماهوی پژوهش با اشکالاتی همراه خواهد بود. تأکید نگارنده بر مفهوم شناسی نه صرفاً به منظور گردآوردن برخی مفاهیم آشنا و در دسترس، بلکه گذر به یک مفهوم شناسی کاربردی است.

۱-۱- سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه‌گذاری به معنای از دست دادن ارزشی مشخص (در حال حاضر) است برای به دست آوردن هر نوع ارزشی که اندازه یا کیفیت آن مشخص نیست (در زمان آینده)؛ بدین معنا که سرمایه‌گذار اکنون، ارزشی معین را رها می‌نماید تا در در آینده در ازای آن، ارزش خاصی که مدنظرش است را بدست آورد؛ مانند پرداخت وجهی جهت خرید سهام برای حصول سود مشخصی از آن. با توجه به بحث برانگیز بودن و حساسیت زیاد در خصوص تعریف اصطلاح «سرمایه‌گذاری»، این مفهوم در ایکسید^۱ به طور دقیق بیان نشده و در نتیجه، این امر سبب شده است که این مفهوم، همگام با تحولات پیش آمده در حقوق بین‌الملل اقتصادی و حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، انعطاف داشته باشد (زمانی و درون پرور، ۱۳۹۴: ۱۰۰-۹۹). درخصوص مفهوم سرمایه‌گذاری خارجی نیز همچون مفهوم سرمایه‌گذاری، تعریف جامع و

مراجعه کرد. به همین دلیل است که ماده ۱۱ «تصویب نامه ضوابط و شرایط حاکم بر قراردادهای سرمایه‌گذاری به شیوه‌های ساخت، بهره‌برداری و انتقال، مشارکت مدنی و بیع متقابل» مصوب ۱۳۸۲ هیأت وزیران، به منظور اعمال قوانین ایران و نیز محاکم داخلی به عنوان مرجع حل اختلاف و یا داوری ناشی از قراردادهای سرمایه‌گذاران خارجی، از عبارت «در صورت امکان» استفاده نموده است.

^۱ «مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری» (ایکسید) در سال ۱۹۶۶ میلادی توسط گروه بانک جهانی در شهر «واشنگتن» با هدف ارتقاء روند سرمایه‌گذاری در سطح جهان تأسیس شد. ایکسید یک نهاد داوری است که فعالیت‌های راهبردی نموده و در واقع تضمینی برای سرمایه‌گذاران خصوصی می‌باشد. ایکسید، مسئولیت داوری و حل اختلاف بین سرمایه‌گذاران و کشورهای میزبان را به عهده دارد (علی‌زاده راسخی، ۱۳۹۷: ۲۶).

واحد که قابل استفاده در تمام ابعاد آن باشد، وجود ندارد (8: Harb, 2011)؛ اما اجمالاً می‌توان گفت که سرمایه‌گذاری خارجی، دلالت بر فرآیندی دارد که بر اساس آن، شخص سرمایه‌گذار با هدف نفوذ پایدار در بازارهای دارای قابلیت، از طرق مختلف، مبادرت به انتقال سرمایه به کشورهای سرمایه‌پذیر می‌نماید (داین و آرین، ۱۳۹۲: ۱۵۸). بر این مبنای سرمایه‌گذاری خارجی، دارای ماهیتی قراردادی است که بین دولت یا شخص دولتی و یک شخص خارجی با قصد برقراری رابطه تجاری بلند مدت در یک بخش اقتصادی خاص منعقد می‌شود (3: Sornarajah, 1990).

۱-۲- داوری

داوری، یکی از مفاهیم پرکاربرد در مقوله مدیریت تعارض^۱ است که می‌تواند از جانب یک شخص (اعم از حقیقی و حقوقی)، مجموعه یا نهاد، به اشکال مختلف رسمی و غیررسمی انجام پذیرد. داوری را می‌توان عبارت از رفع اختلاف بین اصحاب دعوا از طریق واگذاری آن به حکم اشخاصی دانست که طرفین دعوا یا به تراضی و یا به موجب تشخیص دادگاه صالحه، آنها را انتخاب می‌نمایند (مدنی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۶۶۸). مطابق بند (الف) ماده ۱ قانون داوری تجاری بین المللی ایران (مصوب ۱۳۷۶): «داوری عبارت است از رفع اختلاف بین متداعین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی طرفین و یا انتصابی». سرعت در رسیدگی‌های داوری را می‌توان یکی از مزایای آن در مقابل رسیدگی‌های قضایی عنوان نمود. بخشی از این سرعت، به علت یک مرحله‌ای بودن نظام رسیدگی در آن می‌باشد؛ درحالی که نظام رسیدگی قضایی، معمولاً حداقل دومرحله‌ای است (جعفری ندوشن، ۱۳۹۲: ۴۹). همانگونه که پیشتر گفته شد، درخصوص سرمایه‌گذاری خارجی، انتظار سرمایه‌گذار، دسترسی به یک مرجع بی‌طرف و مستقل در صورت بروز اختلاف ناشی از سرمایه‌گذاری است و روش داوری در حل اختلافات مزبور، سیستم ترجیحی است.^۲ داوری در سرمایه‌گذاری، آمیزه‌ای از ویژگی‌های داوری تجاری

^۱ Conflict Management.

^۲ در نظام حقوقی ایران، ارجاع امر حل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی موجب اصل ۱۳۹ قانون اساسی، منوط به تصویب مجلس گردیده است. همچنین در قوانین موضوعه نیز به طور مستقیم به داوری در دعاوی مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی، اشاره نگردیده است؛ لیکن چنانچه در قانون موافقتنامه دوجانبه سرمایه‌گذاری با دولت متبوع سرمایه‌گذار خارجی، به داوری به عنوان شیوه‌ای برای حل و فصل اختلافات فی مابین، اشاره گردیده باشد، می‌توان آن را اِعمال نمود؛ به عنوان نمونه، مطابق ماده ۱۹ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی (۱۳۸۱)، اختلافات بین دولت و سرمایه‌گذاران خارجی - در خصوص سرمایه‌گذاری‌های موضوع این قانون - چنانچه از طریق مذاکره حل و فصل نگردد، در دادگاه‌های داخلی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، مگر آنکه در قانون موافقتنامه دوجانبه سرمایه‌گذاری با دولت متبوع سرمایه‌گذار خارجی، در مورد شیوه دیگری از حل و فصل اختلافات، توافق شده باشد. طبق ماده فوق، برای حل و فصل اختلافات، ابتدا باید به روش ارائه شده در موافقتنامه دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی مراجعه گردد، در مرحله دوم توسل به مذاکره و در نهایت باید به دادگاه‌های داخلی مراجعه کرد. به همین دلیل است که ماده ۱۱ «تصویب نامه ضوابط و شرایط حاکم بر قراردادهای سرمایه‌گذاری به شیوه‌های

کلاسیک، قضاوت بین‌المللی و روند دادگاه داخلی است و شامل دو طرف می‌شود: طرف پاسخگو یعنی دولت میزبان و مدعی که همان سرمایه‌گذار خصوصی خارجی است (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۴۲). به منظور مشروعیت و موجه بودن آرای داورهای سرمایه‌گذاری خارجی، ضروری است که داور یا داوران تصمیم‌گیرنده در هر دو سطح خرد و کلان، به منافع عمومی ملی توجه داشته باشند و در زمان صدور رأی، تناسبی میان حقوق سرمایه‌گذاران خارجی و حاکمیت دولت^۱ و منافع عمومی ملی برقرار کنند (هدایتی، ۱۳۹۵: ۱۱).

۲- بایسته‌های داور سرمایه‌گذاری خارجی

در یک نگاه کلی، می‌توان بایسته‌های رسیدگی داور در راستای حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی را در دو سطح کلان بایسته‌های ماهوی و بایسته‌های شکلی، تقسیم بندی کرده و به مطالعه آن پرداخت که در این قسمت به عنوان شاکله اصلی مقاله به آنها می‌پردازیم.

۲-۱- بایسته‌های ماهوی

در این قسمت، به مهمترین الزامات و بایسته‌های ماهوی که بایستی در رسیدگی داور به منظور فیصله دعوی ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی مورد توجه واقع گردند، می‌پردازیم.

۲-۱-۱- رعایت حداقل استاندارد

با افزایش بیشتر حجم تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی، این واقعیت آشکار گردید که معیار رفتار ملی، به صورت مناسبی از حقوق بیگانگان حمایت نمی‌کند؛ به خصوص در کشورهایی که سطح استانداردهای حمایتی، پایین بوده و از حداقل معمول و معقول در دیگر کشورها کمتر است؛ لذا جامعه بین‌المللی به این نقطه رسید که باید در حقوق بین‌الملل، استانداردهایی ایجاد شود که دولت‌ها موظف

ساخت، بهره‌برداری و انتقال، مشارکت مدنی و بیع متقابل» مصوب ۱۳۸۲ هیأت وزیران، به منظور اعمال قوانین ایران و نیز محاکم داخلی به عنوان مرجع حل اختلاف و یا داور ناشی از قراردادهای سرمایه‌گذاران خارجی، از عبارت «در صورت امکان» استفاده نموده است.

^۱ به طور سنتی، مفهوم حاکمیت دولت در مقابل بنا نهادن سازوکارهای حل و فصل اختلافات که سرمایه‌گذاری خارجی را کارتر خواهد کرد، قرار می‌گیرد. مفهوم حاکمیت برای حمایت از دولت مقابل مداخلات دیگر دول و برای توجیه قدرت او در تحمیل تصمیمات الزام آور و همچنین اجرای آن تصمیمات، شکل گرفته است. وقتی حاکمیت به عنوان قدرت اصلی دولت در نظر گرفته شود، در تقابل با ضرورت ایجاد و اجرای تعهدات معتبر از طریق انعقاد توافقات الزام‌آور در مقابل سرمایه‌گذار خارجی قرار خواهد گرفت. بنابراین حاکمیت، مانعی را در همکاری مؤثرتر میان سرمایه‌گذار و دولت، به جای فراهم کردن امکان روابط بهتر، ایجاد خواهد کرد (علومی یزدی و محمدی، ۱۳۹۳: ۵۳).

باشند که آن‌ها را نسبت به بیگانگان رعایت نمایند و رفتاری پایین تر از این حداقل‌ها، به هیچ وجه مورد قبول نبوده و به منزله عمل متخلفانه بین‌المللی تلقی شود و موجب مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف گردد (باغبان و همکاران، ۱۳۹۶: ۵). حداقل استاندارد بین‌المللی، هنجار حقوق بین‌الملل عرفی است که بر چگونگی معاشرت با اتباع بیگانه حاکم بوده و مجموعه‌ای از اصول است که جنبه حداقل داشته و دولت‌ها باید در برخورد با اتباع بیگانه و اموال آنها، اصول مزبور را صرف نظر از قوانین ملی و رویه جاری، مدنظر قرار داده و رعایت کنند (Tudor, 2008: 17). به واقع حداقل استاندارد بین‌المللی در پی این است که حیات، آزادی و مالکیت بیگانگان را در برابر اعمال خودسرانه دولت‌ها محافظت نماید. این استاندارد، امنیت شخصی بیگانگان و شیوه‌های جبران خسارت‌های وارده بر حقوق بیگانگان را مورد توجه قرار می‌دهد (حسیبی، ۱۳۹۰: ۴۷). تعدادی از محاکم داورى، تمایل به تفسیر محدود از حداقل استاندارد داشته و با توجه به ریشه حقوق بین‌الملل عرفی آن، حداقل استاندارد را معادل با رفتار حداقلی با بیگانگان در حقوق بین‌الملل عرفی می‌دانند. لذا هرگونه رفتاری که مغایر با این اصل حقوق بین‌المللی باشد را نقض شرط رفتار منصفانه و عادلانه با سرمایه‌گذار خارجی قلمداد می‌کنند. در مقابل، برخی دیگر از محاکم، نظر و رویکرد متفاوتی داشته و معتقدند که شرط رفتار منصفانه و عادلانه باید فارغ از حقوق بین‌الملل عرفی و متمایز و فراتر از استاندارد رفتار حداقلی با بیگانگان تفسیر شود (ابراهیمی لویه، ۱۳۹۸: ۷۳). فارغ از اینها، بایستی اذعان داشت که حجم اصلی قواعد موجود در حداقل استاندارد بین‌المللی، در مورد چگونگی رفتار فیزیکی دولت میزبان با بیگانگان و حمایت و محافظت از امنیت جانی و جسمانی آنهاست و در بسیاری از مصادیق «حداقل استاندارد بین‌المللی» از جمله تعهدات دولت میزبان در حمایت از سرمایه‌گذار خارجی، بحث و عدم توافق وجود دارد؛ به بیان دیگر، قاعده حداقل استاندارد بین‌المللی، مختص به حقوق بیگانگان به طور کلی است و مشخصاً سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران خارجی را مورد توجه قرار نمی‌دهد (همان: ۷۱ و ۷۴).

۲-۱-۲- رعایت اصل تناسب

عرصه داورى سرمايه‌گذارى خارجى، شاهد طرح انبوه دعاوى دولت و سرمايه‌گذار بوده است. چالش اصلی عمده دیوان‌های داورى در ارتباط با این دعاوى، ایجاد تعادل میان منافع و اصول حمایتی سرمايه‌گذار از یک سو و از سویی دیگر اختیارات حاکمیتی دولت در جهت تأمین منافع عمومی، تعهدات زیست محیطی و حقوق بشری آنها می‌باشد. جهت حصول این مهم، یکی از ابزارهایی که در دکتترین مورد تأکید قرار گرفته و همچنین مورد استفاده دیوان‌های داورى بوده است، اصل تناسب می‌باشد (مبینی، ۱۳۹۷: ۱)؛ به بیان کلی تر، حقوق سرمايه‌گذارى خارجى بایستی متناسب با حقوق بین‌الملل و زیرشاخه‌های آن از جمله حقوق بشر، معاهدات چندجانبه محیط زیستی و حتی مقررات سازمان تجارت جهانی تفسیر شود (ابراهیمی لویه، ۱۳۹۸: ۸۶). فارغ از تعریفی که از تناسب ارائه شود، کارکرد تناسب، برقراری تعادل میان

اهداف و ارزش‌های متعارض است (فراستمند، ۱۴۰۱، ۳۹۷). به بیان دیگر، شاخص تناسب، شیوه‌ای است به منظور تفسیر متوازن حقوقی و اتخاذ تصمیم منطقی در هر وضعیتی که در آن، ارزش‌ها و قواعد مشروع در تقابل با یکدیگر قرار گرفته باشند (Kingsbury & Schill, 2010: 79). در صورتی که شاخص تناسب به مثابه یکی از اصول کلی در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شود، در این صورت امکان استفاده از آن در تفسیر معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی و نیز در فرآیند رسیدگی‌های داوری وجود خواهد داشت (Vadi, 2015: 33)؛ بنابراین دیوان‌های داوری بین‌المللی می‌توانند اصل تناسب را به عنوان یک اصل کلی حقوق بین‌الملل براساس ماده ۳۱ کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات، به عنوان یک اصل کمکی برای تفسیر معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و به منظور برقراری توازن میان منافع متعارض دولت‌های میزبان سرمایه و سرمایه‌گذاران خارجی مورد استناد قرار دهند (فراستمند، منبع پیشین: ۴۱۶)؛ همانگونه که دیوان دادگستری اروپایی در رأی مشهور به أمگا تصریح نمود که: «بر طبق رویه دیوان، محدودیت‌های وارد شده بر آزادی در ارائه خدمات از جانب دول عضو، تنها وقتی قابلیت توجیه دارند که به دلیل ملاحظات با اهمیت مرتبط با منافع عمومی باشند؛ به گونه‌ای که تضمین‌کننده وصول به اهداف تعیین شده باشند و همچنین افزونتر از حدود ضروری نباشند...» (همان: ۴۰۷)؛ همچنین در رأی دیوان داوری ایکسید در پرونده اکسیدنتال علیه اکوادور در سال ۲۰۱۲ نیز شاهد آن هستیم که دیوان، اصل تناسب را ذیل اصل رفتار منصفانه و عادلانه تفسیر کرده است. به بیان دیگر، دیوان به جای تفسیر اصل رفتار منصفانه و عادلانه با استفاده از قواعد کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات و اصول و قواعد پذیرفته شده تفسیر معاهدات، کاربست اصل تناسب بر مبنای اصل رفتار منصفانه و عادلانه را با استناد به رویه داوری توجیه کرده است (مبینی، منبع پیشین).

۲-۲-۲- بایسته‌های شکلی

در این قسمت، به مهمترین الزامات و بایسته‌های شکلی که بایستی در رسیدگی داوری به منظور حل و فصل اختلافات منبعت از سرمایه‌گذاری خارجی مورد توجه واقع گردند، می‌پردازیم.

۲-۲-۲-۱- پرهیز از رسیدگی موازی

در دعوی سرمایه‌گذاری خارجی، اغلب شخص سرمایه‌گذار، به منظور افزایش احتمال موفقیت خود در دعوا، در تلاش برای طرح دعوی خود در مکانی است که بیشترین شانس موفقیت در دعوا را دارد (رضوی طوسی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰). رسیدگی موازی، وضعیتی است که در آن، دعوی نوعاً مشابه یا مرتبط نزد مراجع رسیدگی‌کننده مختلف اقامه می‌گردند (Cuniberti, 2018: 381). این پدیده نامطلوب معمولاً زمانی بروز پیدا می‌کند که اجزای مختلف یک سرمایه‌گذاری واحد، اقدام به طرح دعوی در مراجع مختلف علیه دولت میزبان می‌کنند (ابراهیمی لویه، ۱۳۹۸: ۷۳). به طور کلی، رسیدگی‌های موازی در

دعاوی سرمایه‌گذاری خارجی، بیش از همه، معلول تعدد مراجع پیش‌بینی شده در معاهدات و قراردادهای سرمایه‌گذاری است (ندوشن، ۱۳۹۲: ۴۱). به عنوان نمونه در یکی از پرونده‌های طرح شده در ایکسید، برخی سهامداران یکی از مؤسسات مالی و اعتباری استونی علیه دولت استونی اقامه دعوا میکنند، اصل اختلاف طرفین به آنجا بازمی‌گشت که یک مؤسسه مالی اعتباری از دولت این کشور مجوز فعالیت در استونی می‌گیرد اما دولت پس از مدتی، به صورت یکجانبه مجوز صادره را لغو می‌کند. لغو این مجوز منجر به اقامه دعوی شرکت علیه دولت در دادگاه داخلی استونی می‌شود. در خلال رسیدگی به این پرونده، برخی سهامداران آمریکایی این شرکت - که سهامداران عمده آن نیز بودند - با تکیه بر معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری آمریکا و استونی، با ثبت دادخواست در ایکسید، خواهان جبران خسارات وارده به سبب تصمیم دولت می‌شوند. بنابراین دو دعوی موازی علیه دولت استونی شکل می‌گیرد؛ نخست دعوی طرح شده در دادگاه داخلی و دیگری دعوی ثبت شده در دیوان ایکسید (ابراهیم گل و حقیقیان، ۱۳۹۷: ۱۹). این مسأله در خصوص رسیدگی‌های داوری نیز می‌تواند مصداق داشته باشد؛ بدین صورت که ممکن است سرمایه‌گذار، یک فرآیند داوری را به موجب شرط داوری ذکر شده در قرارداد که بنابر قوانین داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) و یا مقررات داوری آنسیترال معتبر است، علیه یک دولت به جریان انداخته و یا تصمیم بگیرد که از طریق معاهده سرمایه‌گذاری اقدام کرده و پرونده‌ای را به استناد کنوانسیون ایکسید و یا قواعد تسهیلات اضافی ایکسید، علیه آن دولت به ثبت برساند. در هر دوی این روش‌ها، سرمایه‌گذار حق چنین کاری را خواهد داشت؛ زیرا این حقوق به موجب اسناد متفاوت، جزء حقوق مکتسبه وی به شمار می‌رود (ابراهیمی لویه، ۱۳۹۸: ۷۴). برخی (Schreuer, 2011: 801) بر این باورند که تنها تأسیس یک محکمه دائمی سرمایه‌گذاری، می‌تواند مشکل رسیدگی‌های موازی در دعاوی سرمایه‌گذاری را حل نماید. به طور کلی، تدابیر مختلفی به منظور پرهیز از رسیدگی‌های موازی در حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی ارائه گردیده اند که از جمله مهمترین آنها می‌توان به تدابیر معاهده‌ای، تدابیر نظام‌های داوری، راهکارهای قراردادی برای طرفین دعوا یا توافقنامه داوری و مقابله با رسیدگی‌های موازی از طریق ادغام دعاوی اشاره نمود (ندوشن، منبع پیشین: ۵۹-۵۱). به طور کلی، در اعمال تدابیر مقابله با رسیدگی‌های موازی در دعاوی سرمایه‌گذاری خارجی، تحقق شرط آزمون هویت سه‌گانه^۱ یعنی تشابه طرفین، موضوع دعوا و سبب دعوا ضروری است (رضوی طوسی و همکاران، منبع پیشین: ۱۱).

۲-۲-۲- جلودگی از طرح دعاوی واهی

اصولاً ورود به هر نوع فرآیند رسیدگی (خواه در داوری و خواه در دادگاه) امکان اتلاف فرصت‌های

^۱ Triple Identity Test.

سرمایه‌گذاری را به دنبال دارد؛ به بیان دیگر، ورود به هر دعوایی، مستلزم صرف پول است و خطر از دست دادن فرصت سرمایه‌گذاری جزء خصیصه‌های ذاتی رسیدگی‌ها است (انصاری و معبودی نیشابوری، ۱۳۹۷: ۱۴). یکی از انتقادهایی که همواره نسبت به رسیدگی‌های داورى مطرح می‌شود این است که هیچ مکانیسمی برای نظارت بر طرح دعوی - که آشکارا فاقد مابانی حقوقی هستند - وجود ندارد. طرح چنین دعوی، علاوه بر نقض اصولی همچون منع «سوءاستفاده از دادرسی»^۱ و «حسن نیت»^۲، سبب تضییع زمان طرف‌های اختلاف و صرف هزینه‌های گزاف از سوی آنها می‌شود و جلوگیری از طرح آنها در راستای حفظ ثبات و تمامیت داورى بین‌المللی خواهد بود (بذار، ۱۳۹۹: ۱۰۶). در سطح بین‌المللی به منظور جلوگیری از طرح دعوی واهی، دو راهکار عمده پیش‌بینی شده است که عبارتند از مکانیسم رد اولیه دعوا و قرار تأمین هزینه‌ها. درخصوص مکانیسم رد اولیه دعوا، بایستی گفت که فلسفه ایجاد آن، پیش‌بینی ساز و کاری به منظور خارج شدن سریع برخی دعوی مطروحه در مراحل نخستین داورى است (Antoniotti, 2019: 428). در سال ۲۰۰۶ و با اضافه شدن بند ۵ به ماده ۴۱ کنوانسیون واشنگتن راجع به داورى دعوی سرمایه‌گذاری (ایکسید)، برای نخستین بار این امکان فراهم شد تا متعاقب درخواست هریک از طرف‌های اختلاف، دیوان داورى بتواند دعوی را که آشکارا فاقد مبنای حقوقی هستند، قبل از شروع روند رسیدگی، رد کند (بذار، منبع پیشین: ۱۰۵). بایستی توجه داشت هنگامی که دیوان داورى تصمیم به رد اولیه دعوا می‌گیرد، حکمی در این خصوص صادر می‌کند که اعتبار امر مختومه دارد و در صورت مطالبه بعدی خواهان، دعوی او مسموع نخواهد بود؛ بنابراین، این حکم تنها می‌تواند با درخواست محکوم علیه در رسیدگی مربوط به ابطال رأی داورى مطرح شود. از این رو، اگر شیوه بررسی دقیقی در این مکانیسم دنبال نشود، این مکانیسم بسیار قابل انتقاد به نظر میرسد (همان: ۱۲۲). درخصوص قرار تأمین هزینه‌ها نیز بایستی گفت که قواعد داورى ایکسید، اختیار اعطای دستور موقت به منظور تأمین هزینه‌ها را برای داور به رسمیت شناخته است و در برخی آرای صادره از ایکسید، ماده ۴۱ این کنوانسیون، مجوز این امر، اعلام گردیده است (انصاری و معبودی نیشابوری، منبع پیشین: ۶)؛ در سطح معاهدات نیز عموماً دولتها تمایل بالایی نسبت به گنجانیدن شرط تأمین هزینه‌ها در معاهدات به منظور جلوگیری از طرح دعوی واهی بر علیه خویش دارند که از جمله آنها می‌توان به پاراگراف ۱ ماده

^۱ سوءاستفاده از جریان رسیدگی در رسیدگی‌های موازی منتج از دعوی سرمایه‌گذاری، اغلب زمانی اعمال می‌شود که شخص سرمایه‌گذار بخشی از دعوی خود را به دیوان داورى اول و باقیمانده دعوی خود را به دیوان داورى ثانویه ارجاع دهد. در این صورت، دیوان داورى ثانویه چنانچه این گونه استنتاج کند که اعمال حقوقی شکلی صرفاً به منظور فرار از تعهدات مندرج در صلاحیت دیوان اول باشد، قادر به رد و عدم استماع دعوی خواهد بود (رضوی طوسی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱).

^۲ با توجه به آن که اصل حسن نیت، یکی از اصول کلی حقوق بین‌الملل بوده و در تمامی نظام‌های حقوق داخلی، اغلب مفهوم اصل منع سوءاستفاده از جریان رسیدگی منتج از اصل حسن نیت است، از این رو اصل منع سوءاستفاده از جریان رسیدگی را می‌توان به عنوان یک اصل کلی حقوقی که ریشه در اصل حسن نیت دارد، محسوب کرد (همان: ۵).

۲۲ پیش نویس معاهده تجارت آزاد میان ویتنام و اتحادیه اروپا^۱ و نیز پیش نویس پیمان تجاری و سرمایه‌گذاری ترنس - آتلانتیک^۲ (Sim, 2017: 433) اشاره نمود.

نتیجه‌گیری

امروزه کشورهای عمدتاً سرمایه‌پذیر به منظور حمایت از فرآیند سرمایه‌گذاری خارجی، علاوه بر فراهم کردن نمودن محیط کسب و کار مناسب، از مکانیسم‌های متنوع حقوقی نیز در این راستا استفاده می‌کنند. یکی از مهمترین این مکانیسم‌ها، پیش‌بینی ساز و کار متناسب داوری در معاهدات و قراردادهای سرمایه‌گذاری در جهت فیصله دعاوی ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی است. رسیدگی داوری اگرچه برای حل و فصل دعاوی ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی لازم است، لیکن برای حصول کارآمدی و منصفانه بودن، به تنهایی کافی نیست و نیازمند بایسته‌های مختلف ماهوی و شکلی است. در خصوص بایسته‌های ماهوی، رعایت حداقل استاندارد (در رفتار با بیگانگان)، در پی این است که از حقوق اولیه بیگانگان (و از جمله سرمایه‌گذاران خارجی) در برابر خودسری دولت‌ها، حمایت کند؛ اگرچه که در بسیاری از مصادیق آن از جمله تعهدات دولت میزبان در حمایت از سرمایه‌گذار خارجی، اجماعی به چشم نمی‌خورد. در مورد اصل تناسب که بر متناسب بودن حقوق سرمایه‌گذاری خارجی با حقوق بین‌الملل و زیرشاخه‌های آن از جمله حقوق بشر، معاهدات چندجانبه محیط زیستی و ... تأکید می‌ورزد، دیوان‌های داوری (از جمله دیوان دادگستری اروپایی و دیوان داوری ایکسید) عمدتاً اصل مزبور را ذیل اصل رفتار منصفانه تفسیر نمودند. در ارتباط با بایسته‌های شکلی، اصل پرهیز از رسیدگی موازی بالاخص در رسیدگی‌های داوری، در پی آن است که از طریق اتخاذ تدابیری همچون تدابیر معاهده‌ای، تدابیر نظام‌های داوری، راهکارهای قراردادی و نیز ادغام دعاوی به مقابله با موازی کاری در رسیدگی‌های داوری به دعاوی سرمایه‌گذاری خارجی پرداخته و از این طریق به تسریع در فرآیند آن، مساعدت نماید و در نهایت در خصوص جلوگیری از طرح دعاوی واهی، فقدان مکانیسم به منظور نظارت بر طرح دعاوی، همواره یکی از انتقادهای وارده به رسیدگی‌های داوری بوده است که علاوه بر طرح دعاوی واهی، با اصولی همچون منع سوءاستفاده از دادرسی و حسن نیت نیز در تضاد بوده است. در سطح بین‌المللی به منظور جلوگیری از طرح دعاوی واهی، دو راهکار عمده پیش‌بینی شده که عبارتند از مکانیسم رد اولیه دعوا و قرار تأمین هزینه‌ها. در مورد مکانیسم رد اولیه دعوا، بند ۵ (الحاقی ۲۰۰۶) به ماده ۴۱ کنوانسیون واشنگتن راجع به داوری دعاوی سرمایه‌گذاری (ایکسید)، قابل اشاره است. با این وجود چنانچه روش بررسی دقیقی در این مکانیسم دنبال نشود، این مکانیسم بسیار قابل انتقاد است. در ارتباط با قرار تأمین هزینه‌ها نیز این

¹ EU-Vietnam Free Trade Agreement (January 2016 Draft).

² Draft Transatlantic Trade Investment Partnership (14 July 2016).

مکانیسم هم در ماده ۴۱ کنوانسیون واشنگتن و هم در سطح معاهدات، به وفور به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد با وجود تمایل روزافزون به رسیدگی دآوری در معاهدات و قراردادهای منعقد شده سرمایه‌گذاری، هنوز اجماع چشمگیری در ارتباط با الزامات آن در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی شکل نگرفته است.

منابع

الف) کتاب‌ها (فارسی و عربی)

۱. مدنی، جلال الدین (۱۳۹۰)، آئین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات پایدار.
۲. هدایتی، وحید (۱۳۹۵)، تعامل دآوری سرمایه‌گذاری خارجی با حقوق عمومی، لزوم رعایت منافع ملی و اصل تناسب، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.

ب) مقاله‌ها

۳. ابراهیم گل، علیرضا و حقیقیان، مهدی (۱۳۹۷)، شرط تعیین مرجع رسیدگی در رویه دآوری تجاری بین‌المللی با تکیه بر آرای ایکسید، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال ۷، شماره ۲۵، صص ۹-۳۵.
۴. ابراهیمی، سید صادق و بلوری، پیمان و صلح چی، محمد علی و قربانوند، محمد باقر (۱۴۰۱)، رویکرد حمایت مالی شخص ثالث در دآوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی، فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، دوره ۲۹، شماره ۲۱، صص ۳۷۹-۳۴۱.
۵. انصاری، اعظم و معبودی نیشابوری، رضا (۱۳۹۷)، قرار تأمین هزینه‌ها در دآوری تجاری بین‌المللی؛ مفهوم، ماهیت و قانون حاکم بر آن، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۲، شماره ۴، صص ۱-۲۷.
۶. باغبان، رحیم و قنبری چهارمی، محمد جعفر و باقری، محمود (۱۳۹۶)، جنبه‌های حمایتی حقوق ایران در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و مطالعه تطبیقی با استانداردهای بین‌المللی، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال ۱۰، شماره ۳۶، صص ۱-۲۴.
۷. بذآر، وحید. (۱۳۹۹)، مکانیسم رد اولیه دعوا در دآوری سرمایه‌گذاری، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۱۲۴-۱۰۵.
۸. جعفری ندوشن، شهاب (۱۳۹۲)، رسیدگی‌های موازی در دعوای سرمایه‌گذاری خارجی و روش‌های مقابله با آن، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۷، شماره ۸۴، صص ۴۱-۶۹.
۹. حبیبی، به آذین (۱۳۹۰)، «حداقل استاندارد بین‌المللی» و حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی، فصلنامه پژوهش حقوق، سال ۱۳، شماره ۳۳، صص ۴۳-۷۸.

۱۰. دابن، جنت و آراین، محمد (۱۳۹۲)، بررسی و تحلیل ماهیت تحولات حقوق سرمایه‌گذاری خارجی؛ گذشته، حال و آینده. دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۳۶، صص ۱۸۸-۱۵۷.
۱۱. رضوی طوسی، لیلا و سیفی، سید جمال و محبی، محسن (۱۴۰۱)، سوءاستفاده از جریان رسیدگی در داوری‌های سرمایه‌گذاری، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، انتشار آنلاین، صص ۲۰-۱.
۱۲. زمانی، سید قاسم و درون پرور، امیر (۱۳۹۴)، پویایی مفهوم سرمایه‌گذاری در پرتو متدولوژی‌های احراز صلاحیت ایکسید، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۹، صص ۱۲۴-۹۷.
۱۳. علومی یزدی، حمیدرضا و محمدی، سمیه (۱۳۹۳)، شرط التزام عام در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۶، شماره ۴۳، صص ۸۰-۴۷.
۱۴. غفاری، فرهاد و نیک نژاد، الهام (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی برخی از کشورهای منطقه منا، فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۶، شماره ۲۰، صص ۱۷۲-۱۴۷.
۱۵. فراستمد، امینه (۱۴۰۱)، مبنای استناد به معیار تناسب در حل و فصل اختلافات دولت - سرمایه گذار، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۲، شماره ۱، صص ۴۲۰-۳۹۵.
۱۶. مجتهدی، محمدرضا (۱۳۹۰). درآمدی بر حقوق حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بر مبنای کنوانسیون (داوری ایکسید)، دوفصلنامه مطالعات حقوقی معاصر، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۹۹-۱۷۵.

ج) رساله و پایان نامه

۱۷. ابراهیمی لویه، سهیلا (۱۳۹۸)، بحران مشروعیت در داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی، رساله دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.
۱۸. علی زاده راسخی، ثریا (۱۳۹۷)، جنبه حقوقی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه پیام نور، مرکز تهران جنوب.
۱۹. مبینی، احمدرضا (۱۳۹۷)، کاربست اصل تناسب در داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی: مطالعه موردی رأی ایکسید در دعاوی شرکت اکسیدنتال علیه اکوادور در سال ۲۰۱۲، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده حقوق.

د) منابع انگلیسی و لاتین

20. Antonietti, Aurelia (2019), the 2006 Amendments to the ICSID Rules and Regulations and the Additional Facility Rules, ICSID Review, Vol 21, PP 427-448.
21. Cuniberti, Gilles (2018), Parallel Litigation and Foreign Investment Dispute Settlement, ICSID Review, Volume 21, Issue 2, PP 381-426.

22. Harb, Jean Pierre, (2011), Definition of investments protected by international treaties: an on-going hot debate, Mealey's International Arbitration Report, Vol. 26, No. 8, PP 1-24.
23. Kingsbury, Benedict & Schill, W. Stephan (2010), Public Law Concepts to Balance Investors' Rights with State Regulatory Actions in the Public Interest - The Concept of Proportionality, in S Schill (ed), International Investment Law and Comparative Public Law, London, Oxford University Press.
24. Sim, Christine, (2017), Security for Costs in Investor - State Arbitration, Arbitration International, Vol.33, No.3, PP 427-495.
25. Schreuer, CH. (2011), The Future of Investment Arbitration, in: MH. Arsanjani et al. (eds), Looking at the Future, Essays on International Law in Honor of W. Michael Reisman, Martinus Nihjoff.
26. Sornarajah, M. (1990), International Commercial Arbitration: the Problem of State Contracts, London & Singapor: Longman Press.
27. Tudor, Loana (2008), the fair and Equitable Treatment in the International Law of Foreign Investment, Oxford University Press.
28. Vadi, Valentina, (2015), the migration of constitutional ideas to regional and international economic law: the case of proportionality, Northwestern Journal of International Law and Busines, Vol. 24, PP 27-52.



The Requirements of Arbitration Proceedings for the Fair Settlement of Claims Arising from Foreign Investment

*Mahmoud Qomshal**
*Ahmad Moradkhani***
*Seyed Mehdi Mirdadashi****

Abstract

Considering the unique role of foreign investment in the process of economic growth and development of countries in recent decades, the importance of an efficient legal system in order to support it becomes more and more apparent. Considering the possibility of partiality in national courts in order to settle disputes caused by foreign investment, in most treaties and investment contracts, the tendency to arbitration mechanism is noticeable. The descriptive-analytical study of the arbitration proceedings in the above-mentioned issue shows that arbitration alone is not sufficient for the efficient and fair settlement of claims arising from foreign investment and requires substantive and formal requirements. Compliance with the minimum standard (in the treatment of foreigners) and compliance with the principle of proportionality is one of the most important substantive requirements, and avoiding parallel proceedings and preventing fictitious lawsuits can also be considered as one of the most important formal requirements that must be observed by the institutions and the court. Arbitration proceedings at different domestic and international levels will have a significant contribution to the fairness of arbitration proceedings and, as a result, the efficiency of the legal system in order to support foreign investment. It seems that despite the increasing desire for arbitration mechanism in foreign investment treaties and agreements, a significant consensus regarding its requirements has not been formed at the regional and international level.

Keywords

Principle of Proportionality, Fictitious Litigation, Parallel Proceedings, Foreign Investment.

* Student Ph.D.of Private Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, qom Branch, Islamic Azad University, qom, Iran. Ghomshallawyer@yahoo.com

** Associate Professor Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, qom Branch, Islamic Azad University, qom, Iran. (Corresponding Author): ah_moradkhani@qom-iau.ac.ir

*** Assistant Professor Department of Private Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, qom Branch, Islamic Azad University, qom, Iran. mirdadashim@yahoo.com